

برخی از آموزشهای الهی به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در برخورد با مشرکان



سبحان عظمتی

اشاره

ویژه مشرکان و کافران و مغضوبان و گمراهان بر ضد مسلمانان صف آرایی کرده و شمشیر را از رو بسته‌اند، شناخت کنش و واکنشها، آن هم از منبع صادقی چون قرآن بهترین ابزار آمادگی است.

برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله با این کنشها و واکنشها موجب شد تا در نهایت گفتمان نبوی، برگفتمان شرک و بت پرستی چیره شود. از آنجاکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاده خداست، خداوند از پیامبرش در تمام مراحل انجام رسالت، حمایت

بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله با واکنشهای متفاوتی از سوی مشرکان، یهودیان و مسیحیان رو به رو شد. بیشترین واکنش تند را در دوره نخست، مشرکان و سپس یهودیان نشان دادند. اطلاع از چگونگی به ثمر نشستن دعوت و فراز و فرودهای آن روشن می‌سازد که در راستای دعوت مردم با چه مشکلاتی مواجه خواهیم شد. اکنون که گرایش به اسلام در جامعه جهانی رو به افزایش است و دشمنان به

کرده است و اوست که به پیامبر ﷺ آموخته چگونه با مخالفین برخورد کند. خداوند برای موفقیت پیامبر ﷺ آموزه‌های نظری و عملی در اختیارش می‌گذارد تا با توجه به آنها مأموریت خود را انجام دهد. در این مقاله، به بررسی این آموزه‌ها می‌پردازیم.

الف. آموزه‌های نظری الهی

آموزه‌های نظری در یک تقسیم‌بندی در سه بخش قابل بررسی است:

۱. تاریخی

پیامبر ﷺ در راه انجام وظائف خود با مشکلات فراوانی مواجه بود. خداوند برای دلداری او، برخورد امتهای گذشته با پیامبران را برای پیامبر ﷺ نقل می‌کند تا بداند لازمه پیامبری و هدایتگری مردم همین است و او در این جهت تنها نیست. مسلماً وقتی انسان، تاریخ همکاران خود را بداند و از مشکلاتی که آنها با آن روبه‌رو بودند، مطلع گردد، از اضطراب و ناراحتی او کاسته شده، مشکلاتش قابل تحمل می‌شود. بعضی از آیات به آموزه‌های تاریخی برای

تحمل پذیر کردن ناملایمات برای پیامبر ﷺ اشاره دارد، به عنوان نمونه، می‌فرماید: «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ قَوْمَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ «ما از سرگذشتهای انبیاء برای تو بازگو می‌کنیم تا به وسیله آن قلبت را آرامش بخشیم [و ارادهات قوی گردد] و در این [اخبار و سرگذشتهای] برای تو حق و برای مؤمنان موعظه و تذکر آمده است.»

این سخن را خداوند پس از آن می‌فرماید که تاریخچه‌ای از ماجراهای امتهای گذشته و پیامبرانشان چون موسی، شعیب، لوط، ابراهیم، هود، صالح و نوح علیهم‌السلام نقل کرده است.

۲. فلسفی - اجتماعی

از آموزه‌های نظری این است که انسان موجودی است مختار. تمام ارزشمند بودن یا نبودن عمل انسان و حتی ایمان آوردن یا نیاوردنش وابسته به این است که از روی اختیار و آزادی باشد. بر این اساس، یک مصلح

آفریده است و چون چنین است، خواه ناخواه ریزشهایی خواهد بود و عده‌ای به دنبال حق نخواهند رفت؛ هر چند نشانه‌های آشکار وجود داشته باشد. بنابراین، تو ای پیامبر! حزن و اندوه به خود راه نده! زیرا تو علت تامه هدایت یافتن نیستی، بلکه تو تنها یک عامل در هدایت مردمی. پس اگر کسی هدایت نشد، اشکال در تو نیست، بلکه در خود آنهاست: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾^۱ «تو نمی‌توانی هر کسی را که دوست داری هدایت کنی؛ ولی خداوند هر کس را بخواهد، هدایت می‌کند و او به هدایت یافتگان آگاه‌تر است.»

۳. تبیین قلمرو مسئولیت و توان

از آموزه‌های الهی که جنبه نظری نیز دارد، تبیین قلمرو مسئولیت برای پیامبر صلی الله علیه و آله است. در آیات فراوانی به این مسئله اشاره شده است. در این آیات باید‌ها، تواناییها و مسئولیتها در برابر نبایدها و اموری که خارج از

اجتماعی تلاش می‌کند نه بر اساس اجبار، بلکه با استدلال و اقناع، جامعه را هدایت کند. او با توجه به این حقیقت، خود را تنها یک عامل در میان عوامل تأثیرگذار در هدایت و تربیت می‌داند. بر طبق این آموزه، قوانین حاکم بر جامعه و انسان، بیان می‌شود تا کارهای عقیدتی - فرهنگی با توجه به آن انجام گیرد. مثلاً، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ...﴾^۲ «و اگر پروردگارت می‌خواست، همه مردم را یک امت [بدون هیچ گونه اختلاف] قرار می‌داد؛ ولی آنها همواره مختلف‌اند، مگر کسی را که پروردگارت رحم کند. و برای همین [پذیرش رحمت] آنها را آفرید...»

خداوند در این آیه و دیگر آیات، گوشه‌هایی از حقایق تاریخی و سنت حاکم بر جامعه در ارتباط با دین را بیان می‌فرماید و اشاره می‌کند که خواست خداوند بر وحدت و ایمان اجباری انسانها نیست؛ از این رو انسانها را برای تحقق آزمایش و امتحان آزاد

۱. همان / ۱۱۸-۱۱۹.

۲. قصص / ۵۶.

دستور العمل‌هایی است که پیامبر ﷺ می‌بایست در برابر مشرکان به کار گیرد. این دستور العمل‌ها به طور عمده عبارت‌اند از:

۱. تحذی (مبارزه طلبی)

مشرکان پیامبر ﷺ را متهم می‌کردند که قرآن را از پیش خود ساخته و به دروغ به خدا نسبت داده است. خداوند به پیامبر ﷺ می‌آموزد که به افرادی که این شبهه را عنوان می‌کنند، بگوید که شما هم چند سوره مثل قرآن بیاورید و در این مورد از هر کس که خواستید، کمک بگیرید، و آنگاه می‌فرماید: ﴿قُلْ لَسِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ أَنْ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾؛^۲ «بگو: اگر انسانها و پریان (انس و جن) اتفاق کنند که همانند این قرآن بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را [در این کار] کمک کنند.»

۲. استدلال

از شیوه‌هایی که پیامبر ﷺ برای

حیطه مسئولیت آن حضرت است، بیان می‌شود. به پیامبر ﷺ گفته می‌شود که تو فقط یک مبلغ، رسول، تذکر دهنده و هشدار دهنده هستی؛ اما اینکه آنها حتماً به سخنان تو گوش بدهند و ایمان بیاورند، این دیگر در اختیارت نیست و از قلمرو مسئولیت تو خارج است. بنابراین، به خاطر گمراهی و بی‌ایمانی آنها اندوهگین مباش! این چیزی نیست که خدا از تو خواسته باشد و به عبارت دیگر، تو نمی‌توانی در مردم ایجاد ایمان کنی، بلکه می‌توانی ایمان را عرضه کنی و قبول آن به عواملی وابسته است که در حوزه مسئولیت تو نیست: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾؛^۱ «پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای. تو سلطه‌گر بر آنان نیستی [که بر ایمان مجبورشان کنی].»

در یک جمع بندی می‌توان گفت: مجموعه آموزه‌های تاریخی، فلسفی، اجتماعی و بیان کردن قلمرو توان و مسئولیت، نقش اساسی در حرکت، تداوم و دلگرمی در کار دارد.

ب. آموزه‌های عملی الهی

منظور از آموزه‌های عملی،

۱. غاشیه / ۲۱-۲۲.

۲. اسراء / ۸۸.

تعدد معنا نخواهد داشت. با تعدد عوامل بی ارتباط با هم، وحدت صنع به هم خواهد ریخت و فساد عالمگیر می شود.

۲. تدابیری که در جهان هستی حاکم است، بعضی از آن عرضی هستند، مثل: تدبیر بر خشکی و دریا و آب و آتش و بعضیها ضولی هستند، مثل: تدبیر بر انسان در برابر تدبیر بر زمین، و تدبیر بر زمین در برابر تدبیر جهان. در تدابیر طولی بعضی از تدابیر برتر و بالاتر از دیگری هستند. اگر تدبیر برتر فرو ریزد، تدبیر مادون نیز فرو می ریزد؛ زیرا تدبیر مادون به آن وابسته است. پس خدایی که تدبیر بالاتری دارد، نسبت به خدایی که تدبیر پایین تری دارد، برتری خواهد داشت.

این بیان با بینش بت پرستان در ارتباط است؛ زیرا آنان برای آسمان و زمین خالق واحد واجب الوجود قائل بودند و سپس برای باد، باران، جنگ، صلح و عبادت کردن و ... خدایان دیگر.

دعوت مشرکان به اسلام و برخورد با واکنشهای خصمانه آنان اتخاذ می کرد، بحث و استدلال با آنها بوده است. قرآن مملو از استدلالهای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای اثبات حقایق خود و ابطال ادعاهای مخالفان است. به عنوان نمونه، قرآن برای باطل ساختن شبهه تعدد خدایان، می فرماید: ﴿مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾: «خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده است و معبود دیگری با او نیست که اگر چنین می شد، هر یک از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می جستند [و جهان هستی به تباهی کشیده می شد]. منزّه است خدا از آنچه آنان توصیف می کنند.»

در این آیه شریفه، برای فرض تعدد خدا، دو لازمه مطرح شده که هر دو منتهی به فساد عالم می شوند:

۱. تعدد خدا مستلزم این است که هر یک برای خود حوزه اعمال قدرت و ربوبیت جدایی داشته باشند و گرنه

۱. مؤمنون / ۹۱؛ ر.ک: انبیاء / ۲۲.

۴. اعراض (رویگرداندن)

یکی از آموزه‌های الهی برای پیامبر ﷺ در برابر مشرکان، اعراض و رویگردانی از رفتار ناشایست آنهاست. مسلماً یک شخصیت اجتماعی که در صدد اصلاح نابهنجاریهای فکری، عقیدتی و فرهنگی و... جامعه است، نارواییهای گفتاری و رفتاری زیادی را از سوی مخالفان خود خواهد دید. اگر او بخواهد به هر واکنش ناروایی پاسخ بگوید و با مخالفان بر سر هر چیزی، بحث و جدل کند، علاوه بر اینکه یک جنگ روانی بی حاصل به راه خواهد افتاد که مانع انجام کارهای اصلی می شود، به شخصیت خود او نیز لطمه وارد خواهد آمد.

در بسیاری از آیات، از پیامبر ﷺ خواسته شده است که از اعمال مشرکان اعراض کند و نسبت به آنها واکنش از خود نشان ندهد و چنان برخورد کند

۱. ر.ک: المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۵، صص

۶۵-۶۶

۲. احقاف / ۳۵

۳. ص / ۱۷

بنابراین، خدای خالق باید خدای واقعی و غالب بر هستی باشد و بقیه مغلوب او خواهند بود. در نتیجه، شایسته عبادت شدن نیستند.^۱

۳. استقامت

از آموزه‌های عملی خداوند برای پیامبر ﷺ، مکلف ساختن آن حضرت به مقاومت در برابر مشکلات و ناملایمات است؛ زیرا تغییر باورها و عقاید مردم به راحتی به دست نمی آید و جامعه نیز مخالفت با باورها و عقاید خود را با واکنشهای سختی پاسخ خواهد داد. آیات زیادی از قرآن، پیامبر ﷺ را دعوت به صبر و پایداری می کند. به دو نمونه از این آیات اشاره می کنیم:

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ﴾؛^۲ «پس صبر کن آن گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند و برای [عذاب] آنان شتاب مکن!»

﴿اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾؛^۳ «در برابر آنچه می گویند شکیبا باش و به خاطر بیاور بنده ما داود صاحب قدرت را که او بسیار توبه کننده بود.»

که گویا ندیده و نشنیده و یا برای او این اعمال اصلاً مهم نیست؛ چرا که این گونه رفتار کردن، چه بسا برای مخالفان کوبنده تر از عکس العمل نشان دادن است:

﴿وَإِذْ رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِنَّمَا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾: «هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را مسخره می کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری پردازند و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن، با این جمعیت ستمگر منشین!»

۵. مباحثات در بحث و گفتگو

پیامبر صلی الله علیه و آله برای جذب مشرکان، با آنها به مذاکره و گفتگو می پرداخت و گاه در بحثها آن قدر مباحثات می کرد که مخاطب گمان می کرد حرفش در پیامبر صلی الله علیه و آله تأثیر کرده و او از موضع خود عقب نشسته است؛ ولی در واقع چنین نبود و آن حضرت می خواست با مباحثات در بحث، زمینه را برای تفهیم سخنان خود فراهم کند و مشرکان را از لجاجت باز دارد. به عنوان نمونه،

خداوند می فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾: «بگو: [ای پیامبر] چه کسی شما را از آسمانها و زمین روزی می دهد؟ بگو: خدا. و ما یا شما بر [طریق] هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم. بگو: شما از گناهی که ما کرده ایم، سؤال نخواهید شد و ما نیز در برابر اعمال شما مسئول نیستیم.»

در این آیات، پیامبر صلی الله علیه و آله از شیوه مباحثات در گفتگو استفاده کرده و فرمود: ما یا شما، یا بر هدایت هستیم یا بر گمراهی. پیامبر صلی الله علیه و آله به ظاهر مطلب را مبهم بیان کرد تا مخاطبان به اندیشه فرو روند و به حقیقت برسند. و البته آن حضرت می دانست که گمراهی از آن مشرکان است و خود و پیروانش بر طریق هدایت اند و در این شکی نداشت.

در مباحثاتی دیگر می فرماید: شما از گناهان ما در روز قیامت مورد مؤاخذه قرار نمی گیرید و ما هم از

۱. انعام/۶۸

۲. سبأ/۲۴-۲۵؛ ر.ی: هود/۳۵؛ سبأ/۵۰.

عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»؛^۲ «با حکمت و انصاف نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، مناظره کن! پروردگارت از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت یافتگان داناتر است.»

۷. نفی هر گونه چشمداشت مادی

خداوند از پیامبر ﷺ می خواهد که به مشرکان بگوید هیچ گونه چشمداشت مادی از آنها ندارد و در برابر انجام رسالت، مزدی از آنان نمی خواهد. مشرکان گمان می کردند که منظور پیامبر ﷺ از دعوت به سوی خدا، رسیدن به مال و منال است؛ لذا به آن حضرت پیشنهاد می کردند که ما حاضریم آن قدر به تو مال و منال بدهیم که از همه ما ثروتمندتر شوی و در مقابل، دست از تعرض به خدایان ما برداری.^۳

و شاید هم آنها تصور می کردند پیامبر ﷺ در پی ساختن دین جدیدی

اعمالی که انجام داده اید، مورد پرس و جو قرار نمی گیریم؛ یعنی هر شخصی و گروهی مسئول اعمال خودشان هستند و بنابراین، اگر بر هدایت یا گمراهی باشیم، نصیبی یا آسیبی به شما نمی رسد و اگر شما بر هدایت یا گمراهی باشید، نصیبی یا آسیبی به ما نمی رسد.

پیامبر ﷺ در مورد خودشان تعبیر جرم و گناه را به کار می برد و درباره مشرکان تعبیر عمل و کردار را. و این مماشات با پندار مشرکان بوده است که خیال می کردند پیامبر ﷺ و یارانش با ترک بت پرستی مرتکب گناه شده اند. پیامبر ﷺ می فرماید: بر فرض که ما مجرم باشیم، در قیامت از شما در این باره سؤال نمی شود. شما به فکر خودتان باشید.^۱

۶. موعظه و پند

پیامبر ﷺ برای جذب مشرکان از پند و موعظه کردن آنها فروگذار نکرده است. او از سوی خدا مأمور بود که از این شیوه هم استفاده کند: «أَذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: المیزان، ج ۱۶، ص

۳۹۸: التفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۲۵۷.

۲. نحل، ۱۲۵.

۳. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۱۳.

است کسه خود متولی آن است و می خواهد با جمع آوری عده‌ای به دور خود، از آنها پول بگیرد تا دینشان را حفظ کند؛ نظیر خادمان بتها و بتکده‌ها که برای خدمت به بتها و بتکده‌ها از مردم پول می گرفتند و قربانی و نذورات آنها را به مصرف خود می رساندند. قرآن این گونه تصورات را مردود می شمارد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می دهد که به مردم بگوید، هیچ گونه چشمداشت مادی از آنها ندارد:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهٖ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾^۱ «آنها (پیامبران نامبرده شده در آیات قبل، مثل: ابراهیم، اسحاق، یعقوب علیهم السلام و ...) کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده. پس به هدایت آنان اقتدا کن [و] بگو: در برابر این [رسالت و تبلیغ] پاداشی از شما نمی طلبم؛ این [رسالت] چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست.»

۸. توکل (اعتماد کردن به خدا)

یکی از آموزه‌های عملی برای پیامبر صلی الله علیه و آله، توکل و اعتماد کردن به خدا در حصول نتیجه است. خداوند از پیامبر صلی الله علیه و آله

می خواهد که وظائف خود را انجام دهد و در برابر مشکلات بردبار باشد. اگر بخواهیم توکل را در یک جمله ارائه دهیم، می توانیم بگوییم که تو مأمور به وظیفه‌ای، نه مسئول نتیجه. بنابراین، درباره حصول یا عدم حصول نتیجه مطلوب، نگرانی به خود راه مده، اعتماد به خدا کن و کارت را انجام بده! بدان که عمل تو ضایع نمی شود.

رعایت این اصل برای یک مصلح اجتماعی بسیار مهم است؛ زیرا باعث می شود که وظائف خود را انجام دهد و هیچ وقت منتظر نتیجه نماند و فرصتها را از دست ندهد. در آیات زیادی، از پیامبر صلی الله علیه و آله خواسته شده که به خداوند توکل کند. به عنوان نمونه، می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا فَاَعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾^۲ «و [آگاهی از] غیب [و اسرار نهان] آسمانها و زمین، تنها از آن خداست و همه کارها به سوی او بازگردانده می شود. پس او را پرستش کن و بر او توکل نما! و پروردگارت از

۱. انعام / ۹۰.

۲. هود / ۱۲۳.

کارهایی که می‌کنید، هرگز غافل نیست.»

۹. جهاد

از آموزه‌های عملی خداوند برای پیامبر ﷺ در پاسخ به واکنشهای خصمانه مشرکان، جنگ است. این مسئله زمانی مطرح شد که حکومت اسلامی در مدینه برقرار شد و مشرکان پای خود را از واکنشهای گفتاری فراتر نهادند و در صدد براندازی حکومت اسلامی برآمدند. در حقیقت در سیره عملی پیامبر ﷺ، جنگ، آخرین راه حل برای از بین بردن زنجیرهای جهل و خرافه پرستی و وسیله‌ای برای آزادی انسان از دست سردمداران مستکبر و مایه ماندگاری اسلام و مسلمین بود. آیات زیادی از قرآن درباره این دستور العمل مهم می‌باشد:

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفُتِنَتْ صُومِعُ وَيَبِعُ وَصَلَوْتُ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾^۱ «به کسانی که جنگ بر آنان

تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند و خدا بر یاری آنها تواناست؛ همانها که از خانه و شهر خود به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست.» و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصاری و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند کسانی را که یاری او کنند، یاری می‌کند. خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است.»

در این آیه به دو فلسفه تجویز جنگ اشاره شده است:

۱. مسلمانان مورد آزار و اذیت مشرکان قرار گرفته و از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند و این حق طبیعی آنان است که از خود دفاع کنند.
۲. دفاع یک ضرورت در زندگی اجتماعی است. اگر دفاع نباشد، امنیتی که در سایه آن خداوند پرستش شود، وجود نخواهد داشت.

۱. حج / ۴۰، ۳۹.